

تفسیر تطبیقی آیه ۷۳ سوره انبیا از منظر زمخشری و آیت‌الله جوادی آملی

* محمدهادی منصوری
** سمیه کتابی
*** خدیجه حسین‌زاده

چکیده

از آموزه‌های مهم اعتقادی ادیان آسمانی، مسئله وحی است که قرآن کریم به آن توجه ویژه دارد. از جمله آیات مربوطه، آیه ۷۳ سوره انبیاست که به وحی «فعل الخیرات» می‌پردازد. مفسران فریقین درباره تفسیر «أوحینا» در آیه مذکور دیدگاه‌های مختلفی مطرح نموده‌اند. بیشتر آنها، وحی را تشریحی و گروهی آن را تسدید می‌دانند. دست‌یافتن به تفسیر دقیقی از وحی در این آیه، زمینه‌ساز شناخت بهتر از جایگاه ائمه و نقش آنها در هدایت الهی است؛ بنابراین پژوهش پیش‌روی با روش توصیفی تحلیلی تلاش دارد ضمن بیان دیدگاه زمخشری در تفسیر وحی، دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی را تحلیل نماید. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که باورمندان به تشریحی بودن وحی در آیه مورد بحث، با توجه به ماهیت چنین وحی‌ای، تحقق نیافتن موحی را اثبات می‌کنند. در مقابل صاحب تفسیر تسنیم همانند علامه طباطبایی که وحی در اینجا را تسدید می‌داند، با تأکید بر ظاهر الفاظ و سیاق آیات، در تبیین تحقق موحی کوشیده‌اند. ادله گروه اول مستلزم تقدیر گرفتن در آیه و مبتنی بر قیاس مع‌الفارق و ناسازگاری با ظاهر الفاظ و سیاق آیات است، در حالی که تسدید بودن وحی در آیه با ظاهر الفاظ و سیاق آیات می‌سازد و روایات تفسیری نیز آن را تأیید می‌کند.

واژگان کلیدی

آیه ۷۳ انبیا، تفسیر «أوحینا»، وحی تسدید، جایگاه ائمه در هدایت.

mansouri@maaref.ac.ir
s.ketabi1401@gmail.com

hosinzadeh110@gmail.com
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۱۳

*. استادیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی.

** دانش‌آموخته دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه قم (نویسنده مسئول).

*** پژوهشگر گروه تفسیر و علوم قرآنی پژوهشگاه مطالعات اسلامی زنان جامعه الزهراء(ع).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۲۹

طرح مسئله

وحی نوعی ارتباط معنوی و ناشناخته با عالم غیب است که در نتیجه آن، پیام هدایت الهی به مخلوقاتش منتقل می‌شود. این پیام گاه با واسطه و گاهی بی‌واسطه منتقل می‌شود. تقدیر نظام هستی، تدبیر غریزی حیوانات، الهام به انسان‌ها، تشریح شرایع الهی و ایصال الی المطلوب همه از طریق وحی صورت می‌گیرد.^۱ دو مورد اخیر از طریق وحی تشریحی و وحی تسدیدیه محقق می‌شود، کارکرد اختصاصی این دو نوع از وحی، هدایت و رشد معنوی انسان‌هاست؛ بر پایه جایگاه ویژه انسان در نظام هستی، ارتباط انسان با خدا فراتر از تکوین است؛ انسان برای نیل به قرب الی الله و فعلیت یافتن استعدادهای الهی‌اش برای طی مسیر تکامل و عبودیت، محتاج به تعلیم و تربیت و تزکیه مستقیم از سوی خدای سبحان است. از این رو خدای حکیم راهنمایی‌انی راه پیموده (رسولان و امامان) برگزید و با نزول وحی بر آنها، ایشان را مأمور هدایت انسان‌ها ساخت.

هدایت به امر (ایصال الی مطلوب) از شئون امام است؛ مؤمنان به وسیله عمل صالح به سوی آن هدایت می‌شوند. البته خود امام قبل از هر کس به آن هدایت متلبس می‌گردد. این هدایت از امام به سایر مردم منتقل می‌شود و افراد به اندازه استعداد خود بهره‌مند می‌شوند؛ پس امام واسطه کسب فیوضات ظاهری و باطنی بین مردم و خدای متعال است. همان‌گونه که پیامبران واسطه در دریافت فیوضات ظاهری یا به عبارت دیگر واسطه در دریافت شرایع الهی که از راه وحی بر پیغمبر نازل می‌شود و ایشان آن را به سایر مردم منتقل می‌کند.^۲ بنابراین تشریح شریعت و ارائه طریق توسط رسل الهی و بر اساس وحی تشریحی محقق می‌شود و ایصال الی مطلوب توسط امام میسر می‌گردد که از سوی خدای سبحان موید به وحی تسدیدیه است. ایصال الی المطلوب بر اساس عمل به شریعت الهی و هدف نهایی از تشریح شرایع است و ائمه معصومان علیهم‌السلام کار رسل الهی را به سرانجام می‌رسانند.

حقیقت وحی و انواع آن در کتب علوم قرآن،^۳ تاریخ قرآن^۴ و در آثار مستقل^۵ بررسی شده است؛ به عنوان مثال در مقاله «مفهوم‌شناسی وحی و الهام در لغت، قرآن و روایات» پس از واژه‌شناسی وحی و الهام به کاربردهای قرآنی و روایی و بیان تفاوت این دو واژه پرداخته شده است.^۶

۱. مصباح یزدی، *راه و راهنماشناسی*، ص ۱۰.

۲. طباطبایی، *المیزان*، ج ۴، ص ۴۲۹.

۳. رک: معرفت، *التمهید فی علوم القرآن*، ص ۱۰۰ - ۲۳؛ علاف، *البیان*، ص ۶۱ - ۹۵.

۴. رک: رامیار، *تاریخ قرآن*، ص ۱۴۸ - ۳۳.

۵. رشید رضا، *الوحی المحمدي*؛ شریعتی، *وحی و نبوت در پرتو قرآن*؛ شریفی، *وحی تسدیدیه*؛ عبداللهی، *وحی در قرآن*؛ اعرجی، *الوحی و دلالتنه فی القرآن*؛ احمدی، *پدیده وحی از دیدگاه علامه طباطبایی*.

۶. رک: حسین‌زاده، «مفهوم‌شناسی وحی و الهام در لغت، قرآن و روایات»، *قرآن‌شناخت*، ص ۷۲ - ۴۵.

مقوله وحی در آیات قرآن کریم به صورت تطبیقی نیز واکاوی شده است؛ در مقاله «بررسی تطبیقی وحی و نبوت از دیدگاه مکتب کلامی ماتریدیه و سلفیه با تأکید بر آیات» بررسی تطبیقی وحی با تکیه بر آیات قرآن مجید از دیدگاه اندیشمندان مکاتب کلامی صورت گرفته است.^۱

درباره آیه ۷۳ انبیاء پژوهش تطبیقی نیز صورت گرفته اما به مسئله وحی پرداخته نشده است؛ در مقاله «تحلیل دیدگاه اندیشمندان فریقین پیرامون هدایت به امر در آیه ۷۳ سوره انبیاء»^۲ آراء صاحب‌نظران فرقه‌های مختلف مذهبی از شیعه و اهل سنت ذیل آیه ۷۳ سوره انبیاء به صورت تطبیقی درباره هدایت به امر بررسی شده و تفاوت دیدگاه‌های آنها بیان شده است.

بنابراین آراء مفسران فریقین درباره حقیقت وحی ذیل آیه ۷۳ سوره انبیا بررسی و ارزیابی نشده است؛ درحالی‌که درباره چیستی حقیقت وحی در این آیه بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی معتقدند وحی در این آیه تشریحی است و برخی آن را تسدید می‌دانند. از این رو برای کشف مراد از حقیقت وحی در آیه مذکور، بررسی و مقایسه تطبیقی آراء و ادله صاحب‌نظران در این زمینه ضروری می‌نماید. اگر وحی مذکور در آیه، وحی تسدید باشد، این آیه روشن‌ترین دلیل قرآنی بر نزول وحی تسدید بر امام خواهد بود. این پژوهش قصد دارد که به این سؤال که حقیقت وحی در آیه ۷۳ سوره انبیا از نظر آیت‌الله جوادی آملی و جارالله زمخشری چیست؟ پاسخ دهد. ادله این دو مفسر را بررسی و مقایسه نماید؛ از این رو ضمن تبیین نظر آیت‌الله جوادی آملی و زمخشری درباره حقیقت وحی ذیل آیه ۷۳ سوره انبیا و توضیح ادله ایشان، به توصیف و تحلیل آراء پرداخته خواهد شد؛ زیرا زمخشری اولین کسی است که به نوع وحی در این آیه اشاره کرده است و آیت الله جوادی نیز تبیینی کامل و راهگشا از حقیقت وحی ذیل آیه مذکور ارائه کرده است.

مفهوم وحی و اقسام آن

«وحی» در لغت به معنای اشاره، نوشتن، رساله و هر آنچه به دیگری القا شود، آمده است.^۳ برخی افزون بر این موارد، الهام و کلام خفی را نیز از معانی وحی دانسته‌اند.^۴ به عقیده ابن‌فارس وحی (وحی) واژه‌ای

۱. ر. ک: امینی، «بررسی تطبیقی وحی و نبوت از دیدگاه مکتب کلامی ماتریدیه و سلفیه با تأکید بر آیات»، *گفتنمان وحی*، ص ۲۸ - ۷.

۲. میراحمدی و دیگران، «تحلیل دیدگاه اندیشمندان فریقین پیرامون هدایت به امر در آیه ۷۳ سوره انبیاء»، *تحقیقات کلامی*، ص ۶۲ - ۴۳.

۳. جوهری، *صاحح اللغة*، ج ۶ ص ۲۵۲۰؛ ابن‌منظور، *لسان العرب*، ج ۱۵، ص ۳۷۹؛ فیروزآبادی، *القاموس المحيط*، ج ۴، ص ۴۶۰.

۴. فیومی، *المصباح المنیر*، ج ۲، ص ۵۱.

معتل، به معنای القا و عرضه دانش یا مطالب دیگر به طور پنهانی به سایرین است که تمام استعمال‌های وحی به این ریشه برمی‌گردد،^۱ اما راغب اصفهانی اصل وحی را اشاره سریع می‌داند.^۲ مصطفوی وحی را القاء امر مانند: علم، ایمان، نور، وسوسه و ... به درون دل و جان دیگری (انسان یا فرشته و مانند آن) با واسطه یا بی‌آنکه رهاوردش علم و یقین و شهود باشد، تعریف کرده است.^۳

به نظر می‌رسد کلام ابن‌فارس به واقع نزدیک‌تر است؛ زیرا مفهوم انتقال پنهانی مفاهیم در تمام کاربردهای قرآنی و در کلام اکثر لغویون دیده می‌شود که در این انتقال لزوماً سرعت وجود ندارد؛ سرعت به تبع انتقال نهانی رخ می‌دهد.

از نظر علامه طباطبایی وحی رساندن معنا به افراد موردنظر است به گونه‌ای که بر سایرین پوشیده بماند.^۴ آیت‌الله جوادی آملی معتقد است وحی غالباً از سنخ علم و ادراک و قسم و بی‌ژهای از علم حضوری است. البته ممکن است گاه قسمی از وحی به صورت علم حصولی در قلب القا شود؛ چون وحی غالباً از جنس تعلیم است، ویژگی‌های مستور، سریع و مرموز بودن را داراست.^۵ بنابراین معنای اصطلاحی وحی موید معنای لغوی آن است؛ وحی در اصطلاح به معنای انتقال و القای علوم و ادراکات به صورت سریع و رمزگونه است. در قرآن کریم واژه وحی و مشتقات آن ۷۰ بار، به صورت اسم و فعل آمده است^۶ و به معنای الهام غریزی،^۷ اشاره و وسوسه،^۸ وحی انبایی یا الهام رحمانی،^۹ وحی تشریحی یا ارسالی،^{۱۰} وحی تسدید یا تأدیبی^{۱۱} استعمال شده است. در اصطلاح «وحی تشریحی» واژه تشریحی منسوب به تشریح و تشریح مصدر باب تفعیل از شرع است. شرع و شریعه در لغت به معنای ظهور،^{۱۲} راه آشکار،^{۱۳} آستانه،^{۱۴}

۱. ابن‌فارس، *مقایس اللغة*، ج ۶ ص ۹۳.

۲. راغب اصفهانی، *مفردات*، ص ۸۵۸.

۳. مصطفوی، *التحقیق*، ج ۵۶، ص ۱۳.

۴. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۲، ص ۲۹۲.

۵. رک: جوادی آملی، *وحی و نبوت در قرآن*، ص ۵۵ - ۵۳.

۶. عبدالباقی، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، ج ۲، ص ۷۴۶ - ۷۴۲.

۷. فصلت / ۱۲، نحل / ۶۷.

۸. مریم / ۱۱، انعام / ۱۱۲.

۹. قصص / ۷.

۱۰. نجم / ۱۰، زمر / ۶۵.

۱۱. مائده / ۱۱۱.

۱۲. طریحی، *مجمع البحرین*، ج ۴، ص ۳۵۲.

۱۳. راغب اصفهانی، *مفردات*، ص ۴۵۰.

۱۴. ابن‌فارس، *مقایس اللغة*، ج ۳، ص ۲۶۲.

آبشخور، سنت و احکامی که خداوند بر بندگان فرض نموده و امر کرده، آمده است.^۱ تشریح مصدر به معنای قانون‌گذاری و تشریحی هر چیزی است که در رابطه با قانون‌گذار باشد؛ بنابراین از نظر لغوی، وحی تشریحی نوعی از وحی مربوط به قوانین و احکام است که خدای سبحان به وسیله آن تکالیفی را بر بندگان فرض نموده است. «وحی تشریحی» نیز در اصطلاح، رابطه خاصی میان خدا و پیامبران است؛ با نزول وحی تشریحی، پیامبران حقایق و فرمان‌های الهی را دریافت می‌کردند تا انسان‌ها را هدایت کنند.^۲ پس وحی تشریحی، برنامه‌ای از سوی خدا است که بر پیامبران نازل و به انسان‌ها ابلاغ می‌شود تا انسان‌ها به سوی کمال راهنمایی شوند.

در اصطلاح «وحی تسدیدی» واژه تسدید از ماده سدّ یسدّ به معنای راستی در قول و فعل است. تسدید به معنای تیر را با نشانه‌گیری دقیق به هدف زدن، استوار کردن، محکم کردن، راست گردانیدن و توفیق دادن آمده است.^۳ بنابراین وحی تسدیدی در لغت نوعی وحی مربوط به توفیق دادن، محکم و استوار کردن برای به هدف رساندن است. صاحب‌نظران در معنای اصطلاحی وحی تسدیدی گفته‌اند گاهی وحی به اندیشه و تصور یا تصدیق و جزم تعلق می‌گیرد و در محور تعلیم و تعلم است، گاهی به انگیزه و عزم تعلق می‌گیرد؛ مانند رغبت، رهبت؛ خدا با این وحی رهبران الهی را به وظایفشان راهنمایی می‌کند.^۴

وحی تسدیدی عامل ارتقا و جودی روح انسانی اولیای الهی است که با رهایی از نقایص و پلیدی‌های فکری و اخلاقی محقق می‌شود؛ زیرا افراد در اثر وحی تسدیدی به انجام اعمال نیک مشتاق و از انجام اعمال ناپسند منزجر می‌شوند.^۵

بنابراین وحی تسدیدی متناسب با قابلیت و شایستگی، بر انگیزه و اراده آنها تأثیر می‌گذارد و نتیجه آن توفیق افراد بر ترک گناه و انجام عمل صالح است؛ به عبارت دیگر وحی تسدیدی در اصطلاح وحی‌ای است که با تأثیرگذاری بر انگیزه و اراده، افراد را بر انجام اعمال مطابق بر اعتقادات صحیحشان، توفیق می‌دهد تا به عبودیت و مقام قرب الهی نایل شوند.

به نظر می‌رسد وحی تشریحی با تحدیث تفاوت دارد؛ زیرا تحدیث با غیر نبی امکان دارد؛ در برخی از

۱. طریحی، *مجمع البحرین*، ج ۴، ص ۳۵۲؛ فراهیدی، *کتاب العین*، ج ۱، ص ۲۵۳؛ جوهری، *صحاح اللغة*، ج ۳،

ص ۱۲۳۶؛ زبیدی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، ج ۱۱، ص ۲۳۷؛ فیروزآبادی، *القاموس المحيط*، ج ۳، ص ۵۷.

۲. مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۲۰، ص ۴۹۱.

۳. ابن‌فارس، *مقاییس اللغة*، ج ۳، ص ۶۶؛ جوهری، *صحاح اللغة*، ج ۲، ص ۴۸۵؛ طریحی، *مجمع البحرین*، ج ۳، ص ۶۸ - ۶۵.

۴. جوادی آملی، *وحی و نبوت در قرآن*، ص ۶۵ - ۶۳.

۵. رک: طباطبایی، *المیزان*، ج ۶، ص ۲۶۱؛ ج ۱۰، ص ۲۲۳؛ ج ۱۵، ص ۲۸۶؛ جوادی آملی، *تسنیم*، ج ۴، ص ۵۰۳ - ۵۰۲.

روایات فریقین به محدثین در اسلام اشاره شده است.^۱ گفتگوی ملائکه با حضرت مریم^۲ نیز بر صحت این مطلب دلالت دارد.

آیت‌الله جوادی آملی وحی تسدید را با تحدیث به یک معنا می‌داند و می‌نویسد: «حضرت مریم، محدثه بود و با فرشتگان گفت‌وگو داشت. این گفت‌وگو، کرامت خود آن بانوی بزرگوار و نبوت انبایی و وحی تسدید و شیری است نه وحی و نبوت تشریحی».^۳

علامه طباطبایی گفتگوی مستقیم و مشاهده فرشته را شرط تحدیث می‌داند؛ ایشان در تفسیر آیه «فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا»^۴ دلیل محدثه بودن حضرت مریم را این‌گونه بیان می‌کند: بنا بر آیه حضرت مریم روح؛ یعنی جبرئیل را به صورت یک بشر دیده است نه اینکه تنها صدای او را شنیده باشد.^۵ به نظر می‌رسد تفاوت بین وحی تسدید و تحدیث در این است که وحی تسدید به دلالت باطنی و القای درونی و بدون مشاهده فرشته وحی صورت می‌گیرد؛ اما تحدیث با گفتگوی مستقیم بین فرشته و محدث واقع می‌شود.

حقیقت وحی از منظر آیت‌الله جوادی و ادله آن

آیت‌الله جوادی درباره حقیقت وحی در آیه «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»^۶ می‌نویسد: خدای سبحان از انبای ابراهیمی^۷ امامانی برگزید که گذشته از هدایت تبلیغی، موظف بودند راهیان صراط مستقیم را به مقصد برسانند. در صدر آنها حضرت ابراهیم^۸ مراحل تعلیم کتاب، حکمت، هدایت تبلیغ و دعوت را گذرانده بودند که آیه «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»^۹ درباره ایشان نازل شد و بعد از نبوت، رسالت و خلت، به مقام امامت رسیدند. خدای متعال برای تحقق هدایت به امر اموری را به ائمه وحی کرد از جمله وحی به انجام دادن کارهای نیک؛ وحی به عمل با وحی علمی فرق دارد، چنان‌که آیه وقوع آن را بیان می‌کند نه اخبار به آن را. این وحی تسدید نتیجه سیره پیوسته این برگزیدگان بر عبادت خالصانه و مستمر برای خدا بوده است. انبای الهی با رسیدن به امامت

۱. ر.ک: مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۸۵ - ۶۶؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۶۹؛ قسطلانی، ارشاد الساری لشرح صحیح

البخاری، ج ۶ ص ۱۰۳.

۲. مریم / ۴۲.

۳. جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۴، ص ۲۲۸.

۴. مریم / ۱۷.

۵. طباطبایی، المیزان، ج ۱۴، ص ۳۸ - ۳۵.

۶. انبیا / ۷۳.

۷. بقره / ۱۲۴.

تکوینی به مقام هدایت به امر می‌رسند و می‌توانند در دل‌ها اثر کنند. اهل بیت علیهم‌السلام مصداق کامل چنین هادیانی هستند.^۱ پس از نظر آیت‌الله جوادی آملی وحی در آیه شریفه وحی تسدید است. امامت مقامی فراتر از نبوت است که به نصب الهی محقق می‌شود. هدایت به امر از شئون امامت و وحی تسدید از لوازم هدایت به امر است. وحی تسدید محصول ایمان و امثال اوامر موحی در وحی تشریحی است. ایشان ماهیت و حقیقت وحی تسدید را این‌گونه تبیین می‌نمایند:

خدای سبحان با امامان تکوینی، تکویناً کار می‌کند تا رهبری تکوینی انسان‌ها را بر عهده بگیرند اما بر رسل الهی شریعت و احکام را ابلاغ می‌کند. وحی در آیه مذکور وحی عملی است نه وحی نظری و تشریحی و گرنه می‌فرمود: «وَحِينَا إِلَيْهِمْ أَحْكَامَ الْخَيْرَاتِ» وحی عملی وابسته به عقل عملی است نه عقل نظری. عقل عملی «ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان» است که باید تصمیم بگیرد و عقل نظری نیروی فهم و ادراک و شناخت را دارد. خدای سبحان بخش علمی را به پیامبران داد؛ اما در این آیه امامت تکوینی مطرح است و به عمل که جای عزم و اراده و خلاص و تصمیم است مربوط می‌شود؛ می‌فرماید بکن نه اینکه بفهم. وحی در این آیه وحی عملی است که به قداست روح برمی‌گردد.^۲

بنابراین وحی تسدید در حوزه تکوین و عقل عملی است و با تأثیرگذاری بر عزم و اراده و تصمیم‌گیری زمینه توفیق انجام عمل به شرایع را در افراد ایجاد می‌کند که محصول آن رسیدن به مقام بندگی است، اما وحی تشریحی در حوزه تشریح و عقل نظری است. با ایجاد درک و شناخت به معارف و احکام دین زمینه تحقق ایمان و انگیزه عمل را فراهم می‌کند.

کشف و تبیین مفهوم «امر» در آیه شریفه به کمک سایر آیات قرآن کریم، این معنا را تأیید می‌کند: باتوجه به برخی از آیات، مانند: «إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^۳ مراد از «امر» تبلیغ، تعلیم، تربیت و تزکیه نفوس نیست؛ زیرا همه این امور عناوینی اعتباری و در حوزه تشریح‌اند ولی آیه مذکور در فضای تکوین است، در نتیجه «امر» درباره باطن و تصرف در نفوس و قلوب است؛ مثلاً گرایش قلب به کار خیر، به تصرف تکوینی امام و عنایتی ویژه از خداست؛ بنابراین مراد از «اِئِمَّة» در آیه ۷۳ انبیا امامت تکوینی است نه تشریحی. امام مظهر اراده ذات اقدس الهی است؛ هدایت امام، فعل خدا و تجلی ذات اوست. این هدایت ایصال الی المطلوب است که رایگان نیست؛ بلکه محصول اعمال گذشته افراد است.^۴

۱. جوادی آملی، *تسنیم*، ج ۵۶، ص ۶۵۱ - ۶۴۹.

۲. همان، ص ۶۶۱ - ۶۵۹.

۳. یس / ۸۲.

۴. همان، ص ۶۵۴ - ۶۵۲.

کسانی که در حوزه تشریح و ظاهر دعوت رسولان الهی را پذیرفتند، تسلیم اوامر الهی شدند و در طریقی که رسل الهی ارائه کردند، گام نهادند. در حوزه تکوین و باطن با هدایت به امر از سوی ائمه توفیق ایصال الی المطلوب را پیدا می‌کنند. لازمه هدایت به امر، وحی تسدید است؛ چنان‌که لازمه ارائه طریق، وحی تشریحی دارد.

آیت‌الله جوادی آملی دلالت الفاظ در آیه ۷۳ سوره انبیا را موید ادعای تسدید بودن وحی می‌داند. از نظر ایشان حجیت ظاهر الفاظ، موید تسدید بودن وحی است؛ عبارت «فعل الخیرات» مصدر مضاف به جمع و مفید تحقق است که ظهور در عموم دارد، چنانچه «او حینا الیهم ان افعلوا الخیرات» مفید اخبار به خیرات در آینده است. طبق این تعبیر، امامان تکوینی با گرایش و عطش به سوی انجام دادن خیرات می‌روند. این کشش و گرایش فراتر از آن است که مستقیماً در حیطة فهم و ادراک قرار بگیرد؛ از این‌رو بخش تصمیم‌گیری فعال می‌شود. از آنجاکه اصل و ظاهر آیه «فعل الخیرات» است و اضافه شدن «فعل» به «الخیرات» از وقوع خبر در گذشته خبر می‌دهد؛ تحقق فعل با ایحای الهی است که بر عزم و اراده و تصمیم‌گیری تأثیر گذاشته و در اموری است که معرفت خیر و تشخیص آن با وحی تشریحی بیان شده بود. موید این مطلب جمله «کانوا لنا عابدین» است که از استمرار عبادت در گذشته خبر می‌دهد و نتیجه آن «فعل الخیرات» است؛ یعنی فعل خیرات را ما با عزم و اراده آنان ساماندهی کردیم و آنان همواره در هر نشئه‌ای بندگان ما بودند. البته وحی عملی مستلزم جبر نیست؛ خدا به امر تکوینی در دل‌ها گرایش به عمل را ایجاد می‌کند و تحمل زحمت انجام آن را آسان می‌کند؛ اما فرد در انجام آن مختار است.^۱

علامه ذیل آیه شریفه ابتدا با تبیین تفاوت نقش امام با پیامبر مقدمه‌ای بر تسدید بودن وحی را مطرح می‌کند:

هدایت به امر از شئون امامت و نوعی تصرف تکوینی و باطنی در نفوس است که رسیدن دل‌ها به سوی کمال را هموار می‌سازد. ناگزیر مراد از امری که با آن هدایت صورت می‌گیرد نیز امری تکوینی خواهد بود که در آیه ۸۳ سوره یس بیان شده است. پس امام واسطه اخذ فیوضات ظاهری و باطنی در تکوین و هدایت به امر است، پیغمبر واسطه اخذ فیوضات ظاهری در شرایع الهی و ارائه طریق است؛ پیامبر هدایتگری است که مردم را به سوی اعتقادات حقه و اعمال صالح راهنمایی می‌کند؛ اما امام راهنمایی است که نفوس را به سوی مقامات راهنمایی می‌کند.^۲

سپس بر تسدید بودن وحی در آیه این‌گونه استدلال می‌کند:

۱. جوادی آملی، *تسبیب*، ج ۵۶، ص ۶۶۴ - ۶۶۲

۲. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۴، ص ۴۲۹.

اضافه شدن مصدر به معمولش مفید تحقق آن در خارج است، اگر از اضافه مقطوع شود و یا کلمه «ان»، و «ان» که خاصیت تأویل به مصدر بردن را دارند بر سر آن فعل بیاید، مفید عدم تحقق در خارج است. به همین جهت معهود و مألوف در آیات دعوت و تشریح این است که کلمه «أن» روی فعل می‌آید.^۱ در این آیه مصدر مضاف «فعل الخیرات» بر تحقق آن دلالت دارد پس وحی به فعل صادر شده از ایشان متعلق است؛ «به این معنا که صدور «فعل خیرات» به وحی الهی و دلالتی باطنی بوده و مقارن آن صورت می‌گرفته و این وحی غیر وحی مشروعی است که فعل را تشریح می‌کند و سپس انجام آن را طبق آنچه تشریح شده بر آن مترتب می‌سازد. مؤید این معنا جمله «وکانوا لنا عابدین» است؛ زیرا ظاهر این جمله دلالت دارد بر اینکه ائمه قبل از وحی هم خدای را عبادت می‌کرده‌اند و عبادتشان با اعمالی بوده قبلاً با وحی تشریحی تبیین شده بود، پس این وحی که متعلق به فعل خیرات شده، وحی تسدید (تأیید) است، نه وحی تشریح.^۲

بنابراین آیت‌الله جوادی آملی در تبیین حقیقت وحی در این آیه با تبعیت از استاد خود علامه طباطبایی بر تسدید بودن وحی تأکید دارد.

حقیقت وحی از منظر زمخشری و ادله آن

زمخشری اولین مفسری است که به تشریحی بودن وحی ذیل این آیه اشاره کرده است.^۳ البته بیشتر مفسران شیعه و سنی از جمله زمخشری وحی در آیه ۷۳ سوره انبیا را وحی تشریحی دانسته‌اند.^۴ زمخشری در اثبات نظر خود ادعا می‌کند در این آیه واژه «فعل الخیرات» در اصل «ان تفعل الخیرات» بوده که تأویل به مصدر رفته و به صورت «فعلاً الخیرات» در آمده سپس در اثر اضافه شدن «فعلاً» به «الخیرات» به «فعل الخیرات» تبدیل شده است.^۵ برخی از مفسران فریقین عیناً عبارات زمخشری را ذیل آیه آورده‌اند.^۶

۱. رعد / ۳۶؛ یوسف / ۴۰؛ انعام / ۷۲.

۲. جوادی آملی، *تسنیم*، ج ۵۶، ص ۴۳۰ - ۴۲۹.

۳. زمخشری، *الکشاف*، ج ۳، ص ۱۲۷.

۴. آلوسی، *روح المعانی*، ج ۹، ص ۷۰؛ رازی، *التفسیر الکبیر*، ج ۲۲، ص ۱۶۱؛ ابن‌عاشور، *التحریر و التنویر*، ج ۱۷، ص ۸۰؛ قاسمی، *محاسن التأویل*، ج ۷، ص ۲۰۶؛ بروسوی، *تفسیر روح البیان*، ج ۵، ص ۵۰۲؛ طوسی، *التبیان*، ج ۷، ص ۲۶۵؛

طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۷، ص ۸۹؛ شاه عبدالعظیمی، *تفسیر اثنی‌عشری*، ج ۸، ص ۴۱۶.

۵. زمخشری، *الکشاف*، ج ۳، ص ۱۲۷.

۶. بیضاوی، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، ج ۴، ص ۵۶؛ قاسمی، همان، ص ۲۰۵؛ کاشانی، *منهج الصادقین*، ج ۴، ص ۳۳۹؛ مشهدی قمی، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، ج ۸، ص ۴۴۰.

گروهی از هم‌نظران با زمخشری تنها اشاره نموده‌اند که «فعل الخیرات» در اصل «ان تفعلوا الخیرات» بوده است.^۱

اما بعضی از آنها در تبیین و تقویت نظر زمخشری کوشیده‌اند. آلوسی می‌نویسد: زمخشری یعمل الخیرات را مبنی بر نایب فاعل گرفته که ابتدا به فعلاً الخیرات سپس به فعل الخیرات تبدیل شده است با حذف تنوین و اضافه شدن مصدر به معمولش که قائم مقام فعل است. با این ادعا که «فعل الخیرات» به معنای مصدری، موحی نیست؛ موحی، «ان یفعل» و مصدر مبنی بر مفعول با حاصل مصدر مترادف است. ابوحیان معتقد است در مبنی بودن مصدر بر غیر فاعل اختلاف وجود دارد؛ اخفش آن را جایز دانسته و صحیح منع آن است. عمومی بودن وحی اینجا واجب نیست؛ جایز است مصدر، مبنی بر فاعل و از حیث معنا مضاف به ظاهر باشد و وحی شامل موحی الیه و غیر او شود؛ یعنی «فعل المکلفین الخیرات» و جایز است که مصدر مضاف به موحی الیهم و پیروانشان جاری مجرای آنها باشند؛ بنا بر این نکته نحوی زمخشری پیروز می‌شود که دو امر داعی آن است؛ اول عدم عمومی بودن وحی، دوم معنای امر برای مصدر، مانند: «فَضْرَبَ الرَّقَابَ»^۲ وحی مختص انبیا، به معنای قول و متعلق به آن است و به فعل تعلق ندارد.^۳ بنا بر این آلوسی هر چند با زمخشری در تشریحی بودن وحی در آیه مذکور هم عقیده است؛ اما مبنی بودن مصدر بر غیر فاعل را نمی‌پذیرد. به عقیده وی در این آیه عمومیت وحی واجب نیست؛ زیرا اگر مصدر را مبنی بر فاعل و از حیث معنا مضاف به اسم ظاهر محذوف بگیریم، اسم ظاهر شامل موحی الیه و غیر آن می‌شود «فعل المکلفین الخیرات»^۴ همچنین جایز است مصدر مضاف به موحی الیهم باشد «ان یفعلوا الخیرات» در این صورت وحی مختص رسل الهی است که با پیروی پیروانشان از ایشان شامل حال پیروانشان هم می‌شود پس تعمیم وحی لازم نیست.

از نظر ابن عاشور «فعل الخیرات» مصدر مضاف به خیرات و به منزله فعل مبنی بر مجهول است؛ فاعل برای تعمیم و اختصار حذف شده و مفعول اقتضا آن را دارد؛ زیرا مفعول مقصود است و فاعل از آن تبعیت می‌کند؛ یعنی همه مردم خیرات را انجام می‌دهند و موحی به عمومیت دارد. به همین دلیل کلام زمخشری صحیح است؛ زیرا با وجود قرینه جایز است. مصدر مبنی بر فعل مجهول باشد، هر چند اخفش آن را بدون شرط پذیرفته است. به علاوه جایز است «فعل الخیرات» همان موحی به و کلام الهی باشد؛

۱. طبری، جامع البیان، ج ۱۷، ص ۳۷؛ سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۲۳۸۹؛ بروسوی، تفسیر روح البیان، ج ۵،

ص ۵۰۲؛ طوسی، التبیان، ج ۷، ص ۲۶۵.

۲. محمد / ۴.

۳. آلوسی، روح المعانی، ج ۹، ص ۶۹ - ۶۸.

این مصدر قائم مقام فعل و مراد از آن طلب و تقدیراً «افعلوا الخیرات» است، مانند: «فَضْرَبَ الرَّقَابَ»^۱. بنابراین ابن‌عاشور از دو طریق به اثبات تشریحی بودن وحی در آیه شریفه پرداخته است؛

اول اینکه موحی «ان یفعل» باشد؛ در این صورت برای اثبات ادعای خود دو مقدمه بیان می‌کند، سپس نتیجه می‌گیرد. مصدر مضاف به مفعول را با وجود قرینه می‌توان به منزله فعل مجهول گرفت. در این آیه فاعل برای تعمیم و اختصار به دلیل اقتضای مفعول حذف شده است؛ چون مقصود مفعول است و فاعل از آن تبعیت می‌کند. در نتیجه فعل الخیرات را می‌توان به منزله فعل مجهول دانست. در واقع وی اقتضای مفعول را قرینه‌ای دانسته که بنا بر آن می‌توان «فعل الخیرات» را به منزله «ان تفعلوا الخیرات» دانست.

دوم اینکه موحی «فعل الخیرات» و کلام الهی باشد؛ به عقیده وی در این حالت مصدر قائم مقام فعل و مراد از آن طلب است.

ارزیابی و نظریه مختار

تفسیر آیت‌الله جوادی درباره حقیقت وحی در آیه مذکور در واقع تقریری بر نظر استاد ایشان؛ علامه طباطبایی است؛ علامه با دو دلیل نظر زمخشری دال بر تشریحی بودن وحی در آیه ۷۳ سوره انبیا را رد می‌کند:

۱. وحی تشریحی به حاصل مصدر متعلق می‌گیرد؛ اما در این آیه وحی به مصدر «فعل الخیرات» تعلق یافته است. به بیان دیگر مصدر مضاف به مفعول بر وقوع معنای مصدر دلالت دارد؛ وحی تشریحی نزول اوامری تحقق نیافته است تا رسل الهی با ابلاغ آن بر مردم طریق بندگی را به آنها ارائه کنند و مردم بعد از پذیرش وحی تشریحی با عمل به آن، محققش سازند تا به طی طریق بندگی موفق شوند؛ اما در آیه مذکور وحی محقق شده است.

۲. مضمون وحی تشریحی اختصاصی به پیامبران ندارد و خطاب به همه انسان‌هاست؛ اما در این آیه با توجه به ظاهر الفاظ، فعل «اوحنیا» به برخی از پیامبران اختصاص دارد.^۲ بنابراین علامه ذیل آیه شریفه با دو دلیل که بر ظاهر الفاظ آیه و سیاق آیات متکی است، تشریحی بودن وحی را رد کرده و تسدید بودن وحی را اثبات می‌نماید.

۳. آیت‌الله جوادی آملی نیز بر مبنای ظاهر الفاظ و سیاق آیات با بیانی متفاوت در همین طریق

۱. ابن‌عاشور، *التحریر و التنویر*، ج ۱۷، ص ۸۱ - ۸۰.

۲. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۴، ص ۳۰۵.

کوشیده است. ایشان با نقد نظر زمخشری، کوشش وی برای اثبات تشریحی بودن وحی را امری نافرجام و تکلفی می‌داند که بر اثر دوری از کرامت و قداست اهل بیت علیهم‌السلام بیان شده؛ زیرا ادعایی بی‌دلیل و با ظاهر آیه ناسازگار است.^۱

در بیان آراء دریافتیم آلوسی و ابن‌عاشور در رفع این اشکال کوشیده‌اند و هر یک با ارائه دو دلیل سعی کرده‌اند تبیین کنند که در این آیه موحی تحقق نیافته و عمومیت ندارد. آلوسی مبنی بودن مصدر بر مفعول را نمی‌پذیرد و آن را مبنی بر فاعل می‌داند. وی مصدر را مضاف به اسم ظاهر محذوف یا موحی الیه می‌داند تا عدم عمومیت وحی و اختصاص وحی به رسل الهی را تبیین کند. ابن‌عاشور مبنی بودن مصدر بر مفعول را با قرینه جایز و قرینه را در این آیه اقتضای مفعول می‌داند؛ زیرا مقصود از نزول وحی انجام خیرات است. هر دو معتقدند در این آیه مانند آیه ۴ سوره محمد مصدر به معنای امر است.

کلام آلوسی درباره مضاف‌الیه مصدر برخلاف ظاهر الفاظ و مستلزم تقدیر گرفتن است که دلیلی بر آن اقامه نشده است. مبنی بودن مصدر بر مفعول از سوی ابن‌عاشور بر خلاف سیاق آیات است؛ زیرا چنانچه علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی بیان داشتند که آیه مربوط به تکوین و باطن است؛ اما قرینه‌ای که ابن‌عاشور به آن استناد و مبنی بودن مصدر بر مفعول را بر آن استوار کرده بر فرض صحت در فضای تشریح و ظاهر مقبول است. هر دو در اثبات ادعای معنای امر برای مصدر به آیه «فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْبَتْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَإِمَّا مَثًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ»^۲ استناد و در واقع با قیاس آیه ۷۳ سوره انبیا با آیه ۴ سوره محمد کرده‌اند؛ اما این قیاس مع‌الفارق است؛ زیرا فضای نزول و سیاق این آیات با یکدیگر متفاوت است؛ فضای نزول و سیاق در آیه ۴ سوره محمد مربوط به تشریح و ظاهر و در آیه ۷۳ سوره انبیا مربوط به تکوین و باطن و فراتر از تشریح و ظاهر است. مرحله‌ای بعد از نزول و پذیرش و عمل بر اساس تشریح است، بنا بر عبارت «كَاثُوا لَنَا عَائِدِينَ». به عبارت دیگر مخاطب در آیه ۴ سوره محمد، مؤمنان هستند تا با امتثال امر الهی مبنی بر قتال با کفاری که مانع ایمان آوردن سایرین می‌شوند^۳ راه ورود به طریق بندگی را بگشایند؛ اما آیه مورد بحث راجع به انبیایی است که از گذشته استمرار در عبودیت خدا داشته‌اند و بعد

۱. جوادی آملی، *تسبیح*، ج ۵۶، ص ۶۶۴ - ۶۶۲

۲. محمد / ۴.

۳. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۸، ص ۳۳۷؛ مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۲۱، ص ۳۹۲؛ بیضاوی، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، ج ۵، ص ۱۱۹؛ ابن‌عاشور، *التحریر و التنویر*، ج ۲۶، ص ۶۱

از پیروزی در امتحانات سخت الهی خدا آنان را امام قرار داده است.^۱ بنابراین نمی‌توان «فعل الخیرات» را مانند «فصرب الرقاب» به معنای امر دانست. از این رو تلاش آنها در اثبات تشریحی بودن وحی در آیه مورد بحث نافرجام می‌نماید.

از سوی دیگر، برخی با رد کاربرد نظریه مصدر مضاف در آیه ۷۳ سوره انبیا بر تسدید بودن وحی در این آیه خدشه وارد کرده‌اند و گفته‌اند: این استدلال مستند به سخن جرجانی در باب دلالت مصدر مضاف بر وقوع معنای مصدر است، در حالی که جرجانی تصریح کرده است که اگر مصدر صریح به فاعل اضافه شود بر تحقق معنای مصدر دلالت دارد؛ اما اگر به مفعول اضافه شود چنین دلالتی وجود ندارد. در این آیه مصدر صریح به مفعول اضافه شده است، پس دلالتی بر وقوع مصدر ندارد و این استدلال برای حمل «اوحینا» به وحی تسدید محقق نمی‌شود. اصلاً در این آیه «فعل الخیرات» به معنای وقوع و تحقق نبوده است که در حمل اوحینا بر وحی تشریحی مشکلی وجود داشته باشد؛ بنابراین در حل مشکلی که وجود نداشته، کوشش شده است.^۲

علامه اولین بار این استدلال را آورده است و آیت‌الله جوادی آملی نیز آن را رد نکرده‌اند. در بررسی نقد مذکور و رد تسدید بودن وحی در آیه ۷۳ سوره انبیا نکاتی حائز اهمیت است:

اول اینکه با استدلال بر نظریه مصدر مضاف حمل اوحینا بر وحی تسدید ثابت نمی‌شود؛ اما این مطلب بر تسدید نبودن یا تشریحی بودن وحی در آیه شریفه دلالت ندارد؛ زیرا با دقت در بیانات علامه درمی‌یابیم تنها دلیل ایشان بر تسدید بودن وحی در این آیه نظریه مصدر مضاف نبوده؛ بلکه دلیل اصلی ایشان ظاهر الفاظ و آیت‌الله جوادی آملی سیاق آیات است که بیانگر اوصاف امام در آیه مورد نظر است؛ عبارات «جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا»، «أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ» و «كَأَنَّا لَنَا عَابِدِينَ» اوصاف امام است؛ بنابر عبارت اول و دوم مراد از هدایت در آیه «هدایت ایصالی» و منشأ آن وحی تسدید است و با «ارائه طریق» که وظیفه پیامبر و منشأ آن وحی تشریحی است، تفاوت دارد. عبارت سوم دلالت دارد بر انحصار و اختصاص عبودیت امام برای خدا بنابر شریعت الهی از پیش تعیین شده که امام موظف به پیروی از آن است. بنابراین با وجود شریعت لازم‌الاتباع، نزول وحی تشریحی بر امام بی‌معنا است.^۳

دوم اینکه آیت‌الله جوادی آملی بحث مصدر مضاف را به‌گونه دیگری بیان کرده است؛ در عبارت

۱. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱، ص ۴۰۵؛ مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۱، ص ۴۳۶؛ رازی، *التفسیر الکبیر*، ج ۴، ص ۳۱؛

سید قطب، *فی ظلال القرآن*، ج ۱، ص ۱۱۲.

۲. عشایری منفرد، *معناشناسی مصدر مضاف و کاربرد آن در تفسیر المیزان*، ص ۲۰ - ۱۱.

۳. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۴، ص ۳۰۵.

«فعل الخیرات» اضافه شدن مصدر به مضاف را مفید تحقق می‌داند که ظهور در عموم دارد. اگر منظور تحقق خیرات در آینده بود، عبارت «وَحِينَا إِلَيْهِمْ أَنْ أَفْعَلُوا» را می‌آورد.

سوم اینکه ناقد محترم به نادرستی تصور کرده است که با تشریحی بودن وحی در این آیه مشکلی پیش نمی‌آید؛ زیرا چنانچه بیان شد وحی تشریحی بر حاصل مصدر تعلق می‌گیرد و نمی‌تواند بر مصدر «فعل الخیرات» تعلق بگیرد از طرفی وحی تشریحی شامل امته‌ها هم می‌شود؛ اما وحی در آیه مذکور مختص ائمه است؛ از این رو زمخشری برای رهایی از این دو مشکل ادعا می‌کند که عبارت «فِعْلُ الْخَيْرَاتِ» در آیه شریفه در اصل «ان تفعل الخیرات» است؛ چون مصدر مفعولی به معنای اسم مصدر است و می‌تواند متعلق وحی تشریحی باشد و از آنجاکه فعل مجهول است خطاب آیه شامل امته‌ها هم می‌شود. روایات نیز موید نزول وحی تسدیدیه بر ائمه معصومین است؛

۱. امام باقر علیه السلام درباره آیه: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ»^۱ فرمودند: در

قلوب ائمه از اولاد حضرت فاطمه علیها السلام به واسطه روح وحی می‌شود.^۲

۲. امام صادق علیه السلام درباره آیه: «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا

الْإِيمَانُ»^۳ فرمود: پس از اینکه خداوند روح خود را به پیامبرش وحی کرد، به وسیله آن علم و فهم را به پیامبر صلی الله علیه و آله آموخت. این روح همان است که خدای متعال به هر کس بخواهد می‌دهد و هرگاه به بنده‌ای این روح را عطا کرده او فهم می‌آموزد.^۴

۳. ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آیه ۵۲ سوره شوری پرسیدم، فرمود: روح در میان

خلایق از جبرئیل و میکائیل هم بزرگتر است. این روح همواره با رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه بعد از ایشان هست و کارش تسدید و تأیید آن حضرات است.^۵

۴. از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است خداوند از روزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از شیر گرفته شد، بزرگترین

فرشته خود را قرین او ساخت تا ایشان را شب و روز به طریق مکارم و محاسن اخلاق سوق دهد.^۶

۵. سوره بن کلب می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: امام به چه چیزی حکم می‌کند؟ فرمود: به کتاب.

۱. انبیاء / ۷۳.

۲. بحرانی، البرهان، ج ۳، ص ۸۳۰ - ۸۲۹.

۳. شوری / ۵۲.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۷۴.

۵. همان، ص ۲۷۳.

۶. شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۳۰۰.

گفتم: اگر در کتاب نباشد؟ فرمود: به سنت. گفتم: اگر در کتاب و سنت نباشد؟ فرمود: چیزی نیست مگر اینکه در کتاب و سنت موجود است. من سخن خود را تکرار کردم. حضرت فرمود: «یسدّد و یوفّق فأما ما تظنّ فلا»^۱.

از روایات مذکور درمی‌یابیم نزول روح قدسی یا وحی تسدیدیه بر ائمه، عنایتی الهی است که ایشان را به جزئیات وظایفشان و کیفیت انجام آنها آگاه و قلب آنها را استوار و از شک و اضطراب خالی می‌نماید، عزم و انگیزه‌هایشان را تقویت می‌کند و در نهایت منجر به انجام عمل از سوی آنها می‌شود. بنابراین وحی در آیه مذکور وحی تسدیدیه است که موید به قرائن درون متنی ظاهر الفاظ و سیاق آیات و روایات است و تشریحی بودن وحی به دلیل مخالف با ظاهر الفاظ و عدم ارائه دلیل، پذیرفته نیست.

نتیجه

با توجه به آنچه بررسی و بیان شد می‌توان گفت: در آیه ۷۳ سوره انبیا رویکرد و تفسیر آیت‌الله جوادی آملی درباره حقیقت وحی مبنی بر تسدیدیه بودن وحی نسبت به رویکرد و تفسیر زمخشری مبنی بر تشریحی بودن وحی متقن‌تر و موجه‌تر است؛ زیرا موید به قرائن درون متنی شامل ظاهر الفاظ و سیاق آیات و قرینه برون متنی روایات تفسیری است، درحالی که نظر زمخشری برخلاف ظاهر الفاظ و استدلالی بی‌دلیل است.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

قرآن کریم.

- نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی، تصحیح صحیحی صالح، قم، دار الهجره، ۱۹۸۰ م.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- ابن عاشور، محمدطاهر، التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۷۵.

- احمدی، رحمت‌الله، *پدیده وحی از دیدگاه علامه طباطبائی*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ص، ۱۳۹۳ ش.
- الاعرجی، ستار جبر حمود، *الوحی ودلالته فی القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۱ ق.
- بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۵ ق.
- بروسوی، اسماعیل بن مصطفی، *تفسیر روح البیان*، بیروت، دار الفکر، بی تا.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، *أنوار التنزیل وأسرار التأویل*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، ج ۱۴، قم، اسراء، ۱۳۸۹ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، ج ۴، قم، اسراء، ۱۳۹۴ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، ج ۵۶، قم، اسراء، ۱۳۹۹ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *وحی و نبوت در قرآن*، قم، اسراء، ۱۳۸۴ ش.
- جوهری، اسماعیل، *صاح اللغة*، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۴ ق.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث الاسلامیة، ۱۴۲۰ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت و دمشق، دار الشامیة و دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
- رامیار، محمود، *تاریخ قرآن*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۹ ش.
- رشید رضا، محمد، *الوحی المحمدي*، بیروت، مؤسسه عزالدین، بی تا.
- رشید رضا، محمد، *تفسیر القرآن الحکیم / تفسیر المنار*، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۴ ش.
- زبیدی، مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، قم، دار الهدایة، ۱۴۱۴ ق.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عبون الأفاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
- سعید، محمد رافت، *تاریخ النزول القرآن*، المنصوره، دار الوفاء، ۲۰۰۲ م.
- سید قطب، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق، ۱۴۲۵ ق.
- شاه عبدالعظیمی، حسین، *تفسیر اثنی عشری*، تهران، میقات، ۱۳۹۷ ش.
- شریعتی، محمد تقی، *وحی و نبوت در پرتو قرآن*، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۴ ش.
- طباطبائی، سید محمد حسین، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.

- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان علوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، تحقیق السید احمد الحسینی، تهران، مکتب نشر الثقافة الاسلامیة، ۱۳۶۷ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- عبدالباقی، محمدفؤاد، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، قاهره، دار الکتب المصریة، ۱۳۶۴ ق.
- عبداللهی، محمود، *وحی در قرآن*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.
- العلاف، ادیب، *البیان فی علوم القرآن*، دمشق، مکتبه الفارابی، ۱۴۲۲ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، تهران، المجمع العلمی الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
- فیروزآبادی، مجدالدین ابوطاهر، *القاموس المحیط*، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۲۶ ق.
- فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، محقق یوسف شیخ محمد، قاهره، مکتبه المصریة، ۱۴۱۸ ق.
- قاسمی، جمال الدین، *محاسن التأویل*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ ق.
- قسطلانی، محمد بن احمد، *ارشاد الساری فی شرح صحیح البخاری*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۲۷ ق.
- کاشانی، فتح الله، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۴۲۳ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.
- مجلسی، محمد تقی، *بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار ائمه اطهار علیهم السلام*، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۳ ق.
- مشهدی قمی، محمد بن محمدرضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- مصباح یزدی، محمد تقی، *راه و راهنماشناسی*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۶۷ ش.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- معرفت، محمد هادی، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ ش.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، *زبدة البیان فی أحكام القرآن*، تهران، مکتبه المرتضویة، بی تا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ ش.

ب) مقاله‌ها

- امینی، عبدالمومین، «بررسی تطبیقی وحی و نبوت از دیدگاه مکتب کلامی ماتریدیه سلفیه با تأکید بر آیات»، *گفتمان وحی*، ش ۱۹، ص ۲۸-۷، ۱۴۰۰ ش.
- حسین‌زاده، محمد، «مفهوم‌شناسی وحی و الهام در لغت، قرآن و روایات»، *قرآن شناخت*، ش ۲، ص ۷۲-۴۵، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
- شریفی، محمد، «وحی تسلیدی»، *سراج منیر*، ش ۲۳، ص ۱۰۳-۶۵، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- عشایری منفرد، محمد، «معناشناسی مصدر مضاف و کاربرد آن در تفسیر المیزان»، *معرفت*، ش ۱۷۳، ص ۲۰-۱۱، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱ ش.
- میراحمدی، عبدالله، زهرا رضایی و زهرا مدرسی‌راد، «تحلیل دیدگاه اندیشمندان فریقین پیرامون هدایت به امر در آیه ۷۳ سوره انبیاء»، *تحقیقات کلامی*، ش ۳۸، ص ۶۲-۴۳، ۱۴۰۱ ش.

